

## "بسمه تعالی"

### زنان و مسجد

عسکری اسلام پورکریمی

مقدمه

با نگرش به مجموعه‌ی تعالیم حیات‌بخش شریعت اسلام درمی‌یابیم که زن از سرشتی انسانی، همچون مرد، آفریده شده است و همان‌گونه که در آفرینش با مرد یکسان است و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه‌های بلند تقوا و فضیلت نیز استعدادهای سرشاری دارد. بانوان که نیمی از پیکر جامعه‌ی انسانی‌اند، همانند مردان در مشارکت عمومی پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و نمی‌توان از نقش سازنده‌ی آنان چشم پوشید.

اسلام با حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آنان را منع نکرده است؛ گرچه وظیفه و نقش اصلی وی را «مادری» و تربیت و پرورش انسان‌های بزرگ و وارسته می‌داند. البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده است تا با حفظ حریم، عفت، پاکدامنی و در پوششی محفوظ در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقّی خود و جامعه گام بردارند.

با دقت نظر در منابع اصیل روایی اسلام درمی‌یابیم که در عصر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، زنان مؤمن همانند مردان در مجامع عمومی‌ای مانند نماز جمعه و جماعت شرکت می‌کردند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از مدتی که درب ورودی و خروجی مسجدالنبی برای مردان و زنان یکی بود، دستور فرمودند برای زنان درب دیگری قرار دهند که «باب النساء» نامیده شد و هنوز هم به این نام معروف است. بنابراین، سیره‌ی نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دلائل و شواهد تاریخی از جمله دلائل متقنی است که بر جواز حضور زنان در مجامع عمومی‌ای مانند حضور در مسجد برای برگزاری عبادت وجود دارد. سخنی که در این نوشتار متعرض آن خواهیم شد، از این قرار است:

۱- حال که با استناد به روایات و دلائل و شواهد تاریخی حضور زن در مسجد جائز شمرده می‌شود،

پرسش اصلی این است: آیا برای زن جائز است در مسجد، متصدی امامت جماعت گردد؟

۲- فقه یویای اسلام درباره‌ی احکام حضور زنان در مسجد چه می‌گوید؟ (احکام فقهی حضور زن در

مسجد)

۳- در شریعت اسلام، مسجد جایگاهی برای ازدواج شناخته می‌شده است، در تاریخ اسلام آمده است که

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای بسیاری از صحابه در مساجد خطبه‌ی عقد ازدواج خواندند؛ مانند ازدواج امام

علی و فاطمه زهرا (علیهماالسلام). حال، آیا می‌توان در این عصر هم مراسم عقد ازدواج را در مساجد برگزار

کرد؟

## فصل اول

### زن و قبول مسئولیت در مسجد

الف: زن و امامت جماعت در مسجد

دیدگاه فقهای شیعه:

جهت روشن شدن بحث بهتر است اختلاف یا اتفاق نظر در سه مورد زیر بررسی شود:

الف) مرد می‌تواند امام جماعت برای مردان به تنهایی، زنان به تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ب) زن نمی‌تواند امامت جماعت برای مردان به تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ج) زن می‌تواند امام جماعت برای زنان باشد.

مورد اول و دوم محل اتفاق آرا و نظر عالمان و فقیهان است، ولی مورد سوم، محل اختلاف نظر است.

مرحوم صاحب جواهر اصلاً در مورد مسئله‌ی اول صحبت نکرده است؛<sup>۱</sup> زیرا در نظر همه‌ی فقها و

مطابق با سیره‌ی همه‌ی مسلمانان امری جائز و درست است و محل اختلاف نیست. در مسئله‌ی دوم نیز

ادعای نقل و تحصیل عدم‌خلاف کرده است و سپس از مرحوم شیخ طوسی و علامه‌ی حلی نقل اجماعی بر

<sup>۱</sup> - جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

آن می‌کند و می‌گوید که سایر فقها نیز در این مسئله رأی مخالفی ابراز نداشته‌اند. عمده‌ی اختلاف‌نظرها درباره‌ی امامت جماعت زن در مورد سوم است؛ یعنی جایی که همه‌ی مأمومان زن هستند. مشهور فقهای عظام شیعه امامت جماعت زن برای زنان را جائز می‌دانند<sup>۲</sup> و برخی از آنان نیز ادعای اجماع کرده‌اند.<sup>۳</sup> البته، ناگفته نماند که تحصیل اجماع مشکل است؛ زیرا وجود علمای بزرگ مخالف محرز است؛ برای مثال قدما، سیدمرتضی<sup>۴</sup> و ابن جنید اسکافی و صاحب «مستندالشیعه»<sup>۵</sup> مخالف امامت جماعت زن برای زنان هستند.

چنان‌که گذشت، بسیاری از فقهای قدیم و متأخر به جواز امامت زن برای زنان قائل هستند؛ از جمله به موارد ذیل اشاره می‌کنیم:

مرحوم صدوق گرچه در «المقنع» متعرض مسئله نشده‌اند، ولی از بیان ایشان در «جمل العلم و العمل» که نفی جواز امامت زنان برای مردان را نمودند، استظهار می‌شود که امامت آن‌ها (زنان) برای زنان بلامانع است.<sup>۶</sup>

مرحوم کلینی نیز در «الکافی» پس از منع امامت زنان برای مردان و برخی طوایف دیگر می‌فرماید: «يجوز أن يؤمَّ كلَّ منهم بأهل طبقته».<sup>۷</sup>

مرحوم قاضی ابن برّاج هم در «مهدّب البارع» آورده‌اند: «لا يؤمُّ المرأةُ الرجالَ و يجوز أن تؤمَّ النساء».<sup>۸</sup>

مرحوم شیخ طوسی نیز در «النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى» آورده است: «لابأس أن تؤمَّ المرأةُ بالنساء»<sup>۹</sup> و در «المبسوط» فتوی به استحباب داده‌اند.<sup>۱۰</sup>

<sup>۲</sup> - این شهرت با ملاحظه کتاب‌های فقهی به دست می‌آید. صاحب جواهر جواز را به مشهور اصحاب تقلاً و تحصیلاً نسبت داده‌اند: جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۶؛ علامه در مختلف، ص ۱۵۴؛ شهید در بیان، ص ۲۳۱.

<sup>۳</sup> - مستندالشیعه، ج ۵، ص ۳۵. صاحب جواهر هم از ریاض المسائل نقل می‌کند: «إن علیه عامة من تأخر».

<sup>۴</sup> - سلسلة البناييع الفقهية، ج ۲۷، ص ۶۴۷.

<sup>۵</sup> - محقق نراقی، مستند الشیعه، ج ۵، ص ۳۷.

<sup>۶</sup> - سلسلة البناييع الفقهية، ج ۳، ص ۱۸۳.

<sup>۷</sup> - همان، ص ۲۷۴.

<sup>۸</sup> - همان، ص ۴۰۹.

صاحب شرایع<sup>۱۱</sup> در «شرایع الاسلام»، علامه‌ی حلی در «تبصره»<sup>۱۲</sup> و «تلخیص المرام»<sup>۱۳</sup> و شهید اوّل در «دروس»<sup>۱۴</sup> شهید ثانی در «مسالك»<sup>۱۵</sup> محقق اردبیلی در «مجمع الفائدة و البرهان»<sup>۱۶</sup> صاحب حدائق<sup>۱۷</sup> و صاحب جواهر<sup>۱۸</sup> همگی فتوا به جواز امامت جماعت زنان برای زنان در فرائض داده‌اند. از میان علمای معاصر نیز تعداد قابل توجهی قائل به جواز امامت زنان برای زنان در نمازهای واجب‌اند؛ مانند مرحوم سیدکاظم یزدی در «عروة الوثقی»<sup>۱۹</sup> مرحوم حکیم در «مستمسک العروة الوثقی»<sup>۲۰</sup> مرحوم خوبی در «منهاج الصالحین»<sup>۲۱</sup>.

آیت ا... گلپایگانی در نماز میت جائز نمی‌دانند، ولی در بقیه‌ی موارد امامت زن برای زنان را جائز می‌شمارند.<sup>۲۲</sup> امام خمینی (قدس سره) در این مسئله تأمل و اشکال دارند، ولی سائر بزرگان محشین عروة، حاشیه‌ای بر این مطلب ندارند. از فقهای حاضر، آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی به جواز امامت زنان فتوی داده‌اند؛ هرچند برخی آن را مکروه می‌دانند.<sup>۲۳</sup>

۱- همان، ج ۳۰، ص ۳۲۴.

۱۰- همان، ج ۲۷، ص ۲۳۳.

۱۱- همان، ج ۴، ص ۸۲۱.

۱۲- همان، ج ۲۸، ص ۵۲۲.

۱۳- همان، ص ۵۶۷.

۱۴- همان، ص ۶۴۷.

۱۵- مسالك الافهام، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۶- مجمع الفائدة و البرهان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۷- الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۴۱ و ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۱۸- جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۱۹- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۸-۷۹۷.

۲۰- مستمسک عروة الوثقی، ج ۷، ص ۲۲-۳۲۱.

۲۱- منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۱۸.

۲۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۱۹.

۲۳- رک.به: توضیح المسائل مراجع، ص ۸۱۸-۸۱۷ و ۸۳۹ و همچنین رساله عملیه آیت الله تبریزی.

## ادله‌ی مسئله

دلایل زیادی بر این مسئله اقامه شده است که بیشتر روایی‌اند. البته، صاحب جواهر از قول «خلاف»، «تذکره»، «غنیه»، «ارشاد جعفریه»، «معتبر» و «منتهی» ادعای اجماع بر جواز را نقل کرده است و در بیان مستندات آن غیر از روایات، به اصل اشتراک احکام نیز تمسک جسته‌اند. تمسک به این اصل در کنار روایات، از این جهت مفید است که در صورت مواجهه با روایاتی که ظهور در عدم جواز امامت زنان دارند، می‌توانیم به اصل مزبور مراجعه کنیم و روایاتی را ترجیح دهیم که جواز امامت زنان را ثابت می‌کنند. در هر حال، دو دسته روایت در این باره وجود دارد:

الف) روایاتی که امامت زنان برای زنان را تجویز می‌کنند:

نبوی معروف و مشهور در کتب روایی شیعه و اهل سنت که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به «امّ ورقه» امر فرمودند که برای اهل خانه‌ی خود نماز جماعت برگزار کند.<sup>۲۴</sup>

روایت دیگر از امام صادق (علیه‌السلام) است که از آن حضرت پرسیدند: «ففی صلاة المکتوبة ائومّ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا؟» حضرت پاسخ دادند: «نَعَمْ».<sup>۲۵</sup>

سومین روایت، «موثقه سماعة بن مهران» است از امام صادق (علیه‌السلام): «عن المرأة تَوَمَّ النساء؟ فقال: لا بأس به»،<sup>۲۶</sup> سماعة می‌گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) درباره‌ی «امام جماعت شدن زن برای زنان» سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

روایت عبدالله بن بکیر از امام صادق (علیه‌السلام) که حضرت در پاسخ به پرسش در این باره می‌فرماید: «نعم؛ تقوّم وسطاً بینهنّ ولا يتقدمهنّ»، جایز است، در وسط زنان می‌ایستند، نه جلوتر از آنان.<sup>۲۷</sup> این روایت

<sup>۲۴</sup> - کنز العمال، ج ۴، ص ۲۵۷، قم ۵۳۶؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۶۸۰؛ اعلام النساء، ج ۵، ص ۲۸۴، درباره‌ی امّ ورقه بنت عبدالله بن حارث انصاریه آمده است: «من فواصل نساء عصرها كان رسول الله يزورها و يسميها الشهيدة... و كانت جمعت القرآن، فأمرها النبي (ص) أن توّم أهل دارها فكانت توّم أهل دارها».

<sup>۲۵</sup> - وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۲.

<sup>۲۶</sup> - همان، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۱۱.

مرسل است، ولی علاوه بر آنکه ابن بکیر از اصحاب اجماع<sup>۲۸</sup> است، روایت مزبور نیز به ادله صحیح و موثق دیگری تأیید شده است.

روایت علی بن جعفر از امام کاظم (علیه السلام): «عَنْ الْمَرْأَةِ تَوَمُّ النِّسَاءَ مَا حَدَّ رَفَعُ صَوْتِهَا بِالْقِرَاءَةِ وَالتَّكْبِيرِ؟ فَقَالَ الصَّادِقُ (ع) قَدَرُ مَا تُسْمَعُ»<sup>۲۹</sup> علی بن جعفر از برادرش، امام کاظم (علیه السلام)، درباره‌ی اندازه‌ی بلندکردن صدای زن به هنگام امامت جماعت زنان پرسید، حضرت در پاسخ فرمودند: به اندازه‌ی که صدای او شنیده شود.

(ب) روایاتی که بر منع امامت جماعت زنان یا ممنوعیت حضور آنان در جماعت دلالت دارد:

از جمله، روایت نبوی‌ای که در کتاب‌های شیعه و اهل سنت تکرار شده است. این روایت بخشی از وصیّت و سفارش پیامبر (صلی الله علیه وآله) به حضرت علی (علیه السلام) است: «وَلَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ»<sup>۳۰</sup>.

صرف نظر از بحث سندی در این روایت، تذکر این نکته ضروری است که آنچه در این روایت نفی شده است، سیاق واحدی ندارد و برخی از آن‌ها اساساً برای مردان هم واجب نیست؛ از این رو نفی آن از زنان نیز نفی استحباب است؛ مانند هروله، عیادت مریض، استلام حجر الأسود... و در مواردی نیز چیزی نفی شده که انجام آن بر زنان حرام است؛ مانند خروج زن از منزل بدون اذن همسر. بنابراین، گاهی حکم مزبور ترخیصی است و گاهی عزیمتی و الزامی.<sup>۳۱</sup>

<sup>۲۷</sup> - همان، ح ۱۰.

<sup>۲۸</sup> - در علم رجال، در مورد برخی از اصحاب ائمه (علیهم السلام) بین علماء اتفاق نظر وجود دارد مبنی بر اینکه هر روایتی که از آنان به طریق صحیح نقل شده و راویان از اوّل سند تا یکی از آنان مورد اعتماد باشند، آن روایت صحیح است و عمل به آن را لازم می‌شمرند. از این رو باید حدیث اصحاب اجماع را تلقی به قبول کرد، حتی اگر از مجهول یا ضعیف باشد. به همین اعتبار مرسل‌های آنان به منزله‌ی مسندها معتبر است.

<sup>۲۹</sup> - وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۷.

<sup>۳۰</sup> - بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶.

<sup>۳۱</sup> . رخصت یعنی اینکه لزومی ندارد زنان در این‌گونه امور شرکت کنند، اما اگر شرکت کردند، اشکالی ندارد، ولی اگر عزیمت بود، شرکت کردن آن‌ها جایز نبود.

به هر حال، علت اینکه شرکت زن در نمازهای جمعه و جماعت ضرورتی ندارد، اولاً به دلیل حفظ عفت و پاکدامنی است؛ ثانیاً زن وظایفی در خانه دارد و با توجه به مأموریت تربیت فرزند و سامان بخشی به امور منزل، برخی از اعمال دینی از دوش او برداشته شده است. البته، برداشته شدن این احکام از زنان از باب رخصت است، نه از باب عزیمت. به طور کلی پس از بررسی خواهیم دید که ادله‌ی جواز ترجیح دارند.<sup>۳۲</sup>

### ارزیابی ادله‌ی جواز امامت جماعت زن

مرحوم شیخ حرّ عاملی پس از نقل هردو دسته دلیل، می‌فرماید: روایاتی که امامت جماعت زنان را جایز می‌شمارند صریح‌تر بوده است و دلالت گویاتری دارند. بنابراین، روایات طرف مقابل را بر این معنا بار می‌کنیم که حداکثر کراهت امامت جماعت زن را برای زنان ثابت می‌کنند.<sup>۳۳</sup> وی می‌افزاید: علامه در «منتهی» می‌گوید: «اعتقاد بر این است روایاتی که امامت زنان را جایز نمی‌دانند، منصرف به زنی هستند که احکام نماز و نماز جماعت را نمی‌شناسد» و البته تعداد آن‌ها در آن عصر کم نبوده است. فرمایش علامه را می‌توان با این نکته تأیید نمود که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از میان زنان به «امّ و رقه» امر کرده است که برای اهل خانه‌اش نماز بر پا کند و مؤذنی هم برای وی قرار داد. امّ و رقه زنی دارای کمالات علمی و عملی بوده است.

شهید اول در «ذکری» فرموده‌اند؛ جمع میان روایات این است که بگوئیم روایات دسته‌ی دوم استحباب مؤکد را نفی می‌کنند، نه مطلق استحباب را.<sup>۳۴</sup> صاحب حدائق از فاضل خراسانی نیز نقل می‌کنند که جمع میان ادله به این است که قائل شویم امامت زنان در نمازهای واجب جایز، ولی بهتر این است که

<sup>۳۲</sup> - گرچه کسانی که اعتضاد روایات به شهرت را نمی‌پذیرند، این وجه ترجیح را قبول ندارند؛ مانند صاحب مستندالشیعه رک. به: مستند الشیعه، ج

۵، ص ۳۹-۳۷.

<sup>۳۳</sup> - وسائل الشیعه، ج ۵، انتهای باب ۲۰، از ابواب صلاة الجماعة.

<sup>۳۴</sup> - الحدایق الناضره، ج ۱۱، ص ۱۸۸.

ترک شود.<sup>۳۵</sup> سپس، ایشان در رفع تعارض و تنافی این دو دسته دلیل می‌فرمایند: لازم است ما این چنین جمع کنیم که بگوییم مراد از واژه‌ی «مکتوبه» که در ادله‌ی عدم جواز امامت زنان آمده، نماز جماعت واجب است (مثل جمعه و عیدین) و مراد از نافله در ادله‌ی جواز امامت زنان، نماز جماعت مستحب است (مثل نمازهای یومیه که اقامه به جماعت در آن مستحب است)؛ یعنی مکتوبه و نافله وصف جماعت باشد، نه نماز. بنابراین، روشن خواهد بود که ادله‌ی مانعه، ناظر به امامت جماعت زنان در جمعه و عیدین هستند که «لا یجوز امامة المرأة فیه اتفاقاً، نصّاً و فتوی».<sup>۳۶</sup>

این توجیه متین به نظر می‌رسد، ولی ظاهر ادله آن را ثابت نمی‌کند. مکتوبه و نافله بودن ظهور در این دارند که وصف نماز باشند؛ به‌خصوص که در بعضی ادله، وصف به‌جای موصوف نشسته است: «ففی المکتوبه»؛ همان‌گونه که در «مستندالشیعه»، مرحوم نراقی نیز جمع فوق را خلاف ظاهر متبادر ادله دانسته‌اند.<sup>۳۷</sup>

مطلب دیگری در حلّ مشکل و ترجیح ادله‌ی جواز امامت زنان این است که بگوییم: ادله‌ی عدم جواز چون موافق قول عامه‌اند (اهل سنت)، قابل اعتنا نیستند. این سخن، هم در «حدائق»<sup>۳۸</sup> و هم در «صلاة الجماعة»، از شیخ محمد حسین اصفهانی<sup>۳۹</sup> ذکر شده است. صاحب حدائق می‌فرماید: با توجه به آنکه عامه ادله‌ی عدم جواز را ترجیح می‌دهند، پس ادله‌ی عدم جواز در مجامع روایی شیعه از باب تقیه صادر شده‌اند. علامه نیز در «منتهی» این وجه را پذیرفته‌اند.<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۵</sup> - همان.

<sup>۳۶</sup> - همان، ص ۱۸۹

<sup>۳۷</sup> - مستندالشیعه، ج ۵، صلاة الجماعة، ص ۳۲.

<sup>۳۸</sup> - الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

<sup>۳۹</sup> - شیخ محمد حسین اصفهانی، صلاة الجماعة، ص ۳۲.

<sup>۴۰</sup> - منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۶۸؛ البته مرحوم صاحب مستند نمی‌پذیرند که قول منع موافق عامه است؛ زیرا از ائمه‌ی چهارگانه‌ی فقه اهل سنت، قول به جواز را نقل می‌کنند. ولی روشن است که جواز با کراهت در کلمات صاحب حدائق... آمده و ذکر شد که فقهای اهل سنت، یا منع تحریمی دارند یا تنزیهی. بنابراین، شاید ردّ صاحب مستند به کلام محقق و علامه بحرانی وارد نباشد.

در حال، ادله‌ی جواز امامت زنان، هم به دلیل اشتهاشان و هم صحت بسیاری از آن‌ها، قابل طرد کلی نیستند و لازم است به گونه‌ای میان هردو دسته جمع نمود. از این رو، غالب کسانی که قائل به منع امامت زنان هستند، در مسئله فتوای صریح نداده‌اند، بلکه احتیاط و به اشکال در مسئله اکتفا کرده‌اند.

#### دیدگاه علمای عامه

درباره‌ی امامت جماعت زنان در فقه اهل سنت، فتواهای مختلفی وجود دارد که به اختصار اشاره می‌شود: در «الأمّ»، جواز با کراهت از ائمه‌ی چهارگانه‌ی اهل سنت نقل شده است.<sup>۴۱</sup> شافعی خود قائل به جواز و از احمد بن حنبل نیز قول به جواز را نقل کرده است. شعبی، نخعی و قتاده قائل به منع امامت جماعت زنان در فرائض‌اند.<sup>۴۲</sup> صاحب حدائق از کسانی همچون عایشه، عطاء، ثوری، اوزاعی، اسحاق، ابی‌ثور و احمد (در روایت دیگر) و مالک قول به کراهت را نقل کرده است.<sup>۴۳</sup>

از مطالبی که درباره «جواز امامت زن برای زنان» یاد شد، درمی‌یابیم که زن می‌تواند در مسجد و یا هر مکان دیگر امام جماعت زنان باشد و مانعی از این جهت نیست. چنان که فتوای مشهور فقهاء نیز مؤید آن است.

#### ب: زن و تبلیغ در مسجد

زندگی هجده‌ساله حضرت زهرا (سلام‌الله) پر از افتخارات منحصر به فردی است که در زندگی بانوان دیگر یافت نمی‌شود. او شخصیت ممتازی است که در تمام میدان‌های علمی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان و بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است. ایشان در سن پنج سالگی با فریادکشیدن علیه مشرکان و کفار مکه به حمایت از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شتافت. پیوسته، او از پدر حمایت و دفاع کرد؛ به ویژه در همان سال‌هایی که حضرت ختمی مرتبت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با کفار قریش به جنگ برخاسته بود.

<sup>۴۱</sup> - امام شافعی، الأمّ، ص ۱۶۴.

<sup>۴۲</sup> - المغنی، ج ۲، ص ۳۶.

<sup>۴۳</sup> - الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۲. البته در برخی کتب از عایشه روایاتی نقل شده مبنی بر اینکه امّ سلمه امامت جماعت زنان را برعهده داشتند. ر.ک. به: الجامع فی فقه النساء از شیخ کامل، محمد محمد عریضه.

پس از درگذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، او نخستین پشتیبان و مدافع ولایت و رهبری امیر مؤمنان (علیه السلام) بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر زنده بود، هرگز آرام ننشست و به شیوه‌های گوناگون پیام مظلومیت امام علی (علیه السلام) را به آیندگان منتقل کرد و در این راستا آسیب‌های فراوانی نیز متحمل شد که در تاریخ ثبت و ضبط است.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای دفاع از حق خویش (فدک) و دفاع از حقانیت ولایت امام علی (علیه السلام) به مسجد آمدند<sup>۴۴</sup> (البته با حفظ کامل حجاب) و سخنرانی مشهور خود (خطبه‌ی فدکیه) را در محاجّه با ابوبکر عنوان کردند،<sup>۴۵</sup> به طوری که ابوبکر مجبور شد قباله‌ی فدک را به او برگرداند (هرچند توسط عمر پس گرفته شد). ایشان آنجا که حضور در جمع مسلمانان را به مصلحت جامعه می‌دید، به خطبه و خطابه می‌پرداخت و گاه در مسجد النبی (ص)، زمانی در کوچه و بازار و موقعی در جمع زنان مهاجر و انصار، به نکوهش مهاجمان، غاصبان و بیعت‌شکنان می‌پرداخت.<sup>۴۶</sup> آنجا که صراحت و شفافیت در سخن را ضروری می‌شمرد، او دست به افشای خط نفاق و شرک می‌زد و در گفتار و رفتار خویش، شیوه‌هایی شایسته برای پیکار با منحرفان از خط ولایت و امامت را ترسیم می‌نمود تا امروز و فردای جامعه‌ی خود را هوشیار و بیدار سازد.

در تاریخ خونبار تشیع، در مورد حضرت زینب (سلام الله علیها) آمده است: «خطبه‌ی کوبنده‌ی سفیر کربلا در مسجد آموی، چنان اوضاع مجلس آراسته یزید و او را آشفته کرد که یزید دچار سردرگمی شد و ترسید با افشاگری‌های دختر علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) پایه‌های حکومتش دچار تزلزل شود. ترس زمانی بیشتر شد که حضرت زینب (س) در مسجد شام آن‌گاه که امام سجاد (علیه السلام) مشغول ایراد خطبه‌ی افشاگرانه‌ی خود

<sup>۴۴</sup> - شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ كشف الغمة، الطبعة الثانية، ص ۱۰۲: «روی عن الأصعب بن نباتة قال: سمعت أمير المؤمنين (ع) يقول: والله لأتكلمن بكلام لا يتكلم به غيري إلا كذاب. ورثت نبي الرحمة و زوجتي خير نساء الأمة و أنا خير الوصيين. و حيث يقتضى ذكرها (عليهم السلام) ذكر شيء من كلامها فلا بد من ذكر فدك إذ كانت خطبتها التي تحير البلغاء و تعجز الفصحاء بسبب منعها من التصرف فيها وكف يدها (عليهم السلام) عنها.

<sup>۴۵</sup> - رياحين الشريعة، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

<sup>۴۶</sup> - اعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۱۷؛ رياحين الشريعة، ج ۱، ص ۳۳۷؛ احتجاج طبرسي، ص ۱۰۶.

بود، با فریادهای رسا آن امام را یاری کرد...»<sup>۴۷</sup> شگفت آنکه همین بانوی بزرگوار برای اینکه نامحرمی ایشان را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدش، رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌رفت؛ درعین حال وقتی که اسلام در خطر می‌افتد، همراه برادر به میدان کربلا آمد و در بازار کوفه، مسجد اموی شام و مجلس یزید آن‌گونه آتشین سخنرانی کرد.<sup>۴۸</sup>

براین اساس، زنان مسلمان می‌توانند با رعایت شئون اسلامی در مساجد یا حتی در دیگر اجتماعات، با تاسی از الگوهای رفتار دینی در تبلیغات و ارشاد هموعان نقش داشته باشند؛ به‌ویژه در این برهه از زمان که بحران‌های فرهنگی تحمیل‌شده از سوی دشمنان در صدد تهی‌کردن انسان‌ها، به‌خصوص بانوان، از معنویت و ارزش‌های اسلامی است. بانوان تحصیل‌کرده و آموزش‌دیده می‌توانند در میان افراد جامعه خصوصاً زنان (باتوجه به ویژگی‌های مخاطب‌شناسی و پیام‌رسانی و نیازسنجی) پیام دین را تبلیغ کنند و مبانی اعتقادی دختران جوان و دانشجویان را مستحکم نمایند.

امام خمینی (قدس سره) گستره فعالیت‌های تبلیغی زنان را نه تنها در همه کشور، بلکه در خارج از کشور نیز می‌دانستند: «امروز این‌ها (بانوان) می‌توانند با حفظ همه جهات اسلام در همه‌جای کشور تبلیغات بکنند، بلکه در خارج از کشور هم.»<sup>۴۹</sup> حضور فعال زنان در عرصه‌ی امر به معروف و نهی از منکر نمونه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی زنان است که فرصتی مناسب برای احیای شخصیت زنان و حراست از کرامت آنان به شمار می‌رود. وظیفه‌ای که قرآن صراحتاً به ایشان داده است.<sup>۵۰</sup>

### ج: زن و نظافت مسجد

باتوجه به جایگاه رفیع مسجد در فرهنگ اسلامی و نقش محوری آن در میان مسلمانان و اینکه در قرآن و حدیث مسجد خانه‌ی خدا خوانده شده است، رعایت حرمت آن بر همه واجب است. امام صادق (علیه السلام)

<sup>۴۷</sup> - منصوری لاریجانی، زینب کبرا (ع) فریادی به اعصار، ص ۱۸۵.

<sup>۴۸</sup> - أبو مخنف الازدی، مقتل الحسین (علیه السلام)، ص ۲۰۵ و ص ۲۲۶؛ شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی ج ۱، ص ۴۷۱؛ سید بن طاووس

حسنی، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۸۶.

<sup>۴۹</sup> - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۹.

<sup>۵۰</sup> - سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۰.

می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ».<sup>۵۱</sup> از رحمت خدا دور است کسی که حرمت مسجد را پاس ندارد. از این رو، مساجد احکام مخصوصی دارند که مهم‌ترین آن‌ها وجوب تطهیر فوری و رعایت نظافت مسجد است. در فقه شیعی، جاروکردن و جمع‌کردن خاکروبه از مسجد عملی مستحب است که پاداش فراوانی دارد.<sup>۵۲</sup> در منابع روایی شیعه و سنی، پاداش‌هایی برای این عمل ذکر شده است؛ همچون ثواب آزادکردن بنده،<sup>۵۳</sup> برخورداری از رحمت مضاعف خداوند.<sup>۵۴</sup>

در این عمل بافضیلت، بانوان هم می‌توانند با حفظ شئون اسلامی شرکت کنند. چنان‌که در تاریخ آمده است: زن مسلمان سیاه‌پوستی به نام «مَحَجَنَه» (امّ محجن)، در صدر اسلام، خادم و نظافتچی مسجد پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است. ابوسعید می‌گوید: شبی، زنی سیاه‌چرده که مسجد را جارو می‌کرد از دنیا رفت. روز بعد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از مرگش با خبر ساختند، فرمود: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن‌گاه آن حضرت با اصحابش بر قبر او حاضر شدند. حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر فرمود و درحالی‌که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارد و برای او دعا کرد.<sup>۵۵</sup> طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می‌بینم.<sup>۵۶</sup> از این روایت، افزون‌براینکه به اهمیت نظافت مسجد و فضیلت آن پی می‌بریم، درمی‌یابیم که زنان نیز می‌توانند در امر نظافت و بهداشت مسجد سهیم باشند و متصدی نظافت امور خانه‌ی خدا (مسجد) گردند.

<sup>۵۱</sup> - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۰.

<sup>۵۲</sup> - جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۷؛ روض الجنان، ص ۲۳۵؛ مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۷.

<sup>۵۳</sup> - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۳۸.

<sup>۵۴</sup> - همان.

<sup>۵۵</sup> - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸، و ج ۲، ص ۹۲؛ عون المعبود، ج ۲، ص ۹۱.

<sup>۵۶</sup> - اسدالغایة، ج ۵، ص ۶۱۷.

## فصل دوم

### برگزاری مراسم عقد ازدواج در مساجد

خداوند متعال همه‌ی مساجد را به‌عنوان خانه‌های خود در روی زمین معرفی فرموده است: «مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند»<sup>۵۷</sup>، «مساجد از آن خداست»<sup>۵۸</sup> همچنین، خداوند متعال مساجد را محل ملاقات خود قرار داده است: «خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو بگیرد و مرا در مسجد زیارت کند»<sup>۵۹</sup> حال که مسجد این اندازه قداست دارد و منبع فیوضات معنوی است، آیا شایسته نیست پیوند مقدس ازدواج میان زن و مرد مسلمان که در قرآن کریم میثاقی محکم<sup>۶۰</sup> خوانده شده و موجب حفظ دین است،<sup>۶۱</sup> در این مکان مقدس برگزار گردد؟

### عقد ازدواج علی و فاطمه (علیها السلام) در مسجد

زمانی که دختر گرامی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آستانه‌ی ازدواج قرار گرفت، افراد مختلفی از بزرگان و چهره‌های سرشناس از ایشان خواستگاری کردند. برخی‌شان با ملاک‌های جاهلیت (که موقعیت اجتماعی و اقتصادی شوهر و ثروت زیاد و مهریه‌ی سنگین را علت برتری و افتخار می‌دانستند) به خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌رسیدند و از ایشان درخواست می‌کردند که افتخار پیوند با خاندان رسالت را به آن‌ها بدهد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به همه‌ی آن‌ها جواب رد می‌داد و در برابر خواسته آن‌ها می‌فرمود: «أمرها إلی ربّها»، امر ازدواج فاطمه (سلام‌الله‌علیها) با پروردگار اوست، نه پدرش.<sup>۶۲</sup> پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره‌ی انتخاب همسر برای دخترش، مأموریتی الهی بر دوش داشت، چنان‌که فرمود: «أتانی ملکٌ فقال: یا محمد! إنَّ اللهَ یقرأ علیک السَّلام و یقول لک: إنَّی قد زوجتُ ابنتک من علیِّ بن ابی طالب فی المألی الاعلی، فزوجها منه فی

<sup>۵۷</sup> - «إنَّ بیوتی فی الأرض المساجد». وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۷.

<sup>۵۸</sup> - «و ان المساجد لله». سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

<sup>۵۹</sup> - «ال طوبی لعبد توضع فی بیته ثم زارنی فی بیتی». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

<sup>۶۰</sup> - سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۰

<sup>۶۱</sup> - قال (ص): «من تزوج احرز نصف دینه». وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷، ح ۱۱.

<sup>۶۲</sup> - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۴.

الارض».<sup>۶۳</sup> فرشته‌ای از سوی خدا نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید: من دختری فاطمه را در آسمان‌ها به همسری علی بن ابی طالب درآوردم، تو در زمین او را به ازدواج وی درآور.»

پس از مراسم خواستگاری امام علی (علیه السلام)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: یا علی تو زودتر از من به مسجد برو، تا در حضور مردم مراسم عقد را برگزار کنیم و خطبه بخوانیم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) شادمان به مسجد تشریف آورد، و به بلال فرمودند: مهاجر و انصار را در مسجد جمع کن. هنگامی که مردم جمع شدند، حضرت (صلی الله علیه وآله) بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم! آگاه باشید که جبرئیل امین بر من نازل شد و از جانب خدا پیام آورد که مراسم عقد ازدواج علی و فاطمه (علیهما السلام) در عالم بالا و در حضور فرشتگان برگزار شده است و دستور داده‌اند که در زمین نیز آن مراسم را انجام دهم و شما را بر آن گواه گیرم.»

سپس حضرت (صلی الله علیه وآله) نشست و به علی فرمود: برخیز و خطبه عقد را بخوان. امام علی (علیه السلام) برخاست و فرمود: «خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گویم و شهادت می‌دهم که به غیر از او خدایی نیست؛ شهادتی که مورد پسند و رضایت او واقع شود. درود بر محمد (صلی الله علیه وآله)، درودی که مقام و درجه‌اش را بالا برد. ای مردم! خدا ازدواج را برای ما پسندیده و بدان امر نموده است. ازدواج من و فاطمه را خدا مقدر کرده، بدان امر نموده است. ای مردم! رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، فاطمه (سلام الله علیها) را به عقد من درآورد و زرهام را از بابت مهریه قبول کرد، از ایشان بپرسید و گواه باشید.»

مسلمانان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) عرض کردند: «یا رسول الله! فاطمه را با علی کابین بسته‌ای؟ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پاسخ دادند: آری. سپس، تمام حضار دست به دعا برداشته و گفتند: خدا این ازدواج را بر شما مبارک گرداند و در میان شما دوستی و محبت افکند.<sup>۶۴</sup> آن‌گاه پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) عروس و

<sup>۶۳</sup> - ذخایر العقبی، ص ۳۱.

<sup>۶۴</sup> - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

داماد را به مسجد فراخواندند و دست فاطمه (سلام الله علیها) را در دست امام علی (علیه السلام) گذاشتند و برای آن دو دعا کردند».<sup>۶۵</sup>

### دیدگاه فقیهان درباره‌ی ازدواج در مسجد

دیدگاه فقهای اسلام درباره‌ی برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد متفاوت است. برخی از کتاب‌های فقهی اهل سنت اجرای «عقد ازدواج» در مسجد را امری مستحب دانسته و در این باره، حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند.<sup>۶۶</sup> اما برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد، به عنوان مستحبی شرعی، نزد فقهای شیعه ثابت نیست.<sup>۶۷</sup> البته، ناگفته پیداست که اگر برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد به گونه‌ای مزاحم نمازگزاران یا همراه با اموری باشد که با شأن و منزلت والای مسجد سازگاری نباشد، بی‌تردید، جایز نیست.<sup>۶۸</sup> ولی اگر برگزاری جشن عقد ازدواج در مسجد با برپایی مجلس رقص و آواز نباشد و فقط خطبه‌ی عقد ازدواج خوانده شود و به همراه پند و اندرز باشد<sup>۶۹</sup> و شأن و منزلت مسجد رعایت شود و با هماهنگی مسئولان مسجد باشد، امری پسندیده است و به برکت حضور در خانه‌ی خدا آثار معنوی در پی خواهد داشت.

### برگزاری مجلس سور عروسی (ولیمه) در مسجد

در مورد اصل جواز غذا دادن، یعنی اطعام در مسجد باید گفت که با توجه به آیات و روایات<sup>۷۰، ۷۱، ۷۲</sup>، غذا دادن و غذا خوردن در مسجد در صورتی که ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران نکند، مانعی ندارد؛ اما بر بنیان مجلس و شرکت‌کنندگان لازم است بهداشت و نظافت و حرمت مسجد را رعایت کنند.

<sup>۶۵</sup> - همان، ص ۱۱۶.

<sup>۶۶</sup> - سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۹۹؛ اعلام الساجد باحکام المساجد، ص ۳۶۰.

<sup>۶۷</sup> - جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

<sup>۶۸</sup> - سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۶.

<sup>۶۹</sup> - توضیح المسائل، مسئله ۹۱۴.

<sup>۷۰</sup> - بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

<sup>۷۱</sup> - الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

یکی از رسوم و سنت‌های اسلامی «ولیمه‌دادن» است. «ولیمه» یعنی دعوت عده‌ای از مؤمنان به میهمانی صرف غذا. ولیمه و میهمانی کینه‌ها را می‌زداید و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند، به‌ویژه اگر دور از تشریفات و زیاده‌روی و اسراف باشد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ خُرْسٍ، أَوْ عِذَارٍ، أَوْ وَكَارٍ، أَوْ رِكَازٍ، فَالْعُرْسُ: التَّزْوِيجُ، وَالْخُرْسُ: النَّفَاسُ بِالْوَالِدِ، وَالْإِعْدَارُ: الْخِتَانُ، وَالْوَكَارُ: الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ، وَالرِّكَازُ: الرَّجُلُ يَفْدُمُ مِنْ مَكَّةَ»<sup>۷۳</sup>؛ ولیمه فقط در پنج چیز است: ازدواج، تولد فرزند، ختنه سوری، خرید خانه و بازگشت از سفر مکه.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام ازدواج علی (علیه‌السلام)، دستور فرمودند که سفره‌ای در مسجد بگسترانند و همه‌ی مسلمانان را اطعام نمایند.<sup>۷۴</sup> در شب عروسی، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: یا علی به احترام همسرت غذائی عالی تهیه کن و آن‌گاه فرمود: گوشت و نان از ما و خرما و روغن از تو.<sup>۷۵</sup> مسلمانان به دعوت آن حضرت به مسجد آمدند و در کنار رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) غذا خوردند.<sup>۷۶</sup>

با امان نظر در سیره نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درمی‌یابیم که برگزاری سور عروسی (ولیمه) در مسجد جائز است. برهمن اساس، برخی از فقها اجازه‌ی ولیمه عروسی را داده‌اند و فرموده‌اند: «غذادادن به مهمانان در مسجد، به‌خودی‌خود اشکال ندارد...»<sup>۷۷</sup> دلیلی بر منع برگزاری سور عروسی (ولیمه) در مسجد وجود ندارد، مگر اینکه شرکت‌کنندگان اعمالی انجام دهند که مخالف شرع مقدس باشد؛ مثلاً مرتکب محرمات

<sup>۷۲</sup> - همان، ج ۶، ص ۲۸۱.

<sup>۷۳</sup> - مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۶؛ مستدرک الوسائل، باب نکاح، فصل ۳۱.

<sup>۷۴</sup> - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴.

<sup>۷۵</sup> - امالی شیخ طوسی، ص ۴۲.

<sup>۷۶</sup> - مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۳۵۳.

<sup>۷۷</sup> - احکام مسجد، ص ۱۱۲، س ۱۸۹، به نقل از آیت‌الله خامنه‌ای، «اجوبه الاستفتائات»، ج ۱، ص ۱۲۰، س ۴۰۶: س (۱۹۰): در برخی مناطق، به ویژه در روستاها، مجالس عروسی را در مساجد بر پا می‌کنند، یعنی مجلس رقص و غنا را در خانه برگزار می‌کنند، ولی نهار یا شام را در مسجد می‌دهند، آیا این کار شرعاً جایز است یا نه؟

جواب: غذا دادن به میهمانان، در مسجد، به‌خودی‌خود اشکال ندارد، ولی بر پا کردن مجالس عروسی در مساجد، مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نمی‌باشد و ارتکاب محرمات شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی مطرب، حرام است مطلقاً.

شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی و مطرب شوند؛ این امور از مصادیق هتک حرمت مسجد و براساس آیات و روایات، از گناهان کبیره است. امام خمینی (قدس سره) در این باره فرموده‌اند: «اگر مزاحمتی با نمازگزاران و شئون مسجد نداشته باشد، مانع ندارد.»<sup>۷۸</sup>

به‌هرروی، سیره‌ی نبوی و شواهد تاریخی صدر اسلام نشان می‌دهد که در شریعت اسلام، مسجد جایگاهی برای عقد ازدواج بوده است. متأسفانه، امروزه، کمتر از این امر استقبال می‌شود که یا به‌دلیل ناآشنایی خانواده‌ها است یا به‌سبب ناتوانی حمایت دولت در فرهنگ‌سازی و اجرای این سیره. این کار به فرهنگ‌سازی نیاز دارد تا به‌صورت اصولی این فرهنگ در میان مردم نهادینه شود و آن‌ها با سهل و ساده برگزارکردن مراسم و انتخاب مسجد به‌عنوان جایگاه عقد، علاوه بر محکم‌شدن پایه‌های زندگی، پایه‌های ایمانی و دینی خانواده‌ی جوان را نیز فراهم کنند. البته، ناگفته نماند که مراسم عروسی با عقد ازدواج متفاوت است. می‌توان ازدواج که سنتی الهی است را با سلام و صلوات در مسجد برگزار کرد؛ اما جشن عروسی که احتمال پایکوبی و سرور خارج از محدوده در آن وجود دارد، باید در خارج از مسجد برگزار شود. بنابراین، امری بسیار پسندیده است که مساجد علاوه بر داشتن مکانی برای مشاوره رایگان، از دفاتر عقد نیز بخواهد که خطبه را در مسجد بخوانند تا علاوه بر احیای سنت زیبای محمدی (صلی الله علیه و آله)، فرهنگ ازدواج هم تغییر یابد.

## فصل سوم

### احکام فقهی حضور زنان در مساجد

الف: توقف و عبور زنان حائض، نفساء، مستحاضه و جُنُب در مساجد

حیض و نفاس و استحاضه، حالت‌های ویژه‌ای است که خدای متعال از نظر تکوین و آفرینش برای زنان قرار داده است. این حالت‌ها برای طهارت و بهداشت بیشتر آنان و آمادگی برای عهده‌داری وظیفه‌ی سنگین مادری و عوارض موقت پس از آن برمی‌گردد. به‌طورکلی، زنان و دخترانی را که غالباً در هر ماه و در

<sup>۷۸</sup> - سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۷، به نقل از: استفتانات منتشر نشده از امام خمینی (ره).

وقتی مخصوص از آنان خون خارج می‌شود «حائض» گویند و هر خونی را که در آغاز زایمان تا ده روز از زن خارج می‌شود «نفاس» و زن را در این حال، «نفساء» می‌گویند.<sup>۷۹</sup> به دلیل آنکه در حال حیض و نفاس بودن، نوعی آلودگی محسوب می‌شود و مسجد جایگاه عبادت و متعلق به ذات خدای متعال است، توقف حائض و نفساء در آن مکان شریف حرام است؛ ولی اگر مسجد دارای دو در باشد و این افراد از یک در داخل و از در دیگری خارج شوند، اشکال ندارد. مگر «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» که انجام همین امر هم حرام است. دلیل این حکم را صاحب جواهر اجماع فقهای عظام می‌داند.<sup>۸۰</sup>

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: رفتن به مسجد برای جنب و حائض حرام است.<sup>۸۱</sup>

امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «اگر مردی در مسجدالحرام یا مسجد پیامبر به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد خارج گردد و سپس غسل کند. همین‌طور اگر زنی در این دو مسجد حیض شود، این‌گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد، بدون تیمم هم می‌تواند خارج گردد».<sup>۸۲</sup>

بنابر مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت نیز ماندن زن حائض در مسجد بدون ضرورت حرام است. عبور زن حائض از مسجد نزد حنفی‌ها و مالکی‌ها حرام است؛ اما نزد شافعی‌ها و حنبلی‌ها عبورش جائز است، در صورتی‌که مطمئن باشد سبب آلودگی مسجد نمی‌شود. حنفی‌ها و مالکی‌ها در موارد ضروری توقف زن حائض را در مسجد جائز دانسته‌اند؛ مثل آنجایی که مکان امنی برای خود نیابد یا بیرون از مسجد جنگ باشد و ترس از کشته‌شدن یا زخمی‌شدن داشته باشد.

«استحاضه» یکی از خون‌هایی است که از زن خارج می‌شود و بیشتر اوقات زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید؛ اگرچه گاهی ممکن است این علائم را نداشته باشد.<sup>۸۳</sup> زن را در موقع دیدن این خون «مستحاضه» می‌گویند. در هنگام دین این خون، زنان احکام متفاوتی دارند که تفصیل

<sup>۷۹</sup> - رک: عروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵ به بعد؛ تحرالوسیله، ج ۱، ص ۴۴ به بعد و توضیح المسائل امام خمینی (ره)، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

<sup>۸۰</sup> - جواهرالکلام، ج ۳، ص ۲۲۰.

<sup>۸۱</sup> - کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

<sup>۸۲</sup> - الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۸۰.

<sup>۸۳</sup> - امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

آن در رساله‌های عملیه و کتب فقهی آمده است، ولی درباره‌ی حضور زنان مستحاضه در مسجد، طبق فتاوی‌ای علما و فقها، باید گفت: اقوا آن است که توقف زن مستحاضه در همه‌ی مساجد و همچنین داخل شدن به مسجدالحرام و مسجدالنبی جائز است؛ اما اگر بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه‌ی نماز خودداری کند.<sup>۸۴</sup>

شخص جنب- زن یا مرد- نباید به مسجد وارد شود. در غیر از مسجدالحرام و مسجدالنبی، اگر مسجد دو در داشته باشد، شخص جنب می‌تواند از یک در داخل و از در دیگری خارج شود. در این دو مسجد شریف، اگر انسان بخوابد و جنب شود باید بی‌درنگ تیمم بدل از غسل جنابت کند و از مسجد خارج شود.<sup>۸۵</sup> مستند این حکم، از سوی فقها، این آیه‌ی شریفه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»<sup>۸۶</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا این که بدانید چه می‌گویید و در حال جنابت نیز تا آن‌گاه که غسل نکرده‌اید به نماز نزدیک نشوید، مگر این که بدون نشستن عبور کنید. همچنین، استنادشان به روایاتی است که در ذیل آیه وارد شده‌اند.<sup>۸۷</sup>،<sup>۸۸</sup> افزون‌براین، فقهای عظام به چندین روایت دیگر نیز استناد کرده‌اند.<sup>۸۹</sup>

به‌طورکلی، از موارد حرمت دخول مسجد برای افراد جنب، دو مورد استثنا شده است:

الف) اگر جنب متوجه شود مسجد به نجاست آلوده شده است، چنانچه بتواند بدون توقف در مسجد و در حال عبور، نجاست را برطرف کند، باید فوراً به تطهیر مسجد اقدام نماید؛ ولی اگر تطهیر مسجد ممکن

<sup>۸۴</sup> - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۰، مسئله ۸ از «فصل فی الاستحاضه».

<sup>۸۵</sup> - مستند الشیعه، ج ۲، ص ۲۹۱؛ جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸.

<sup>۸۶</sup> - سوره‌ی نسا، آیه‌ی ۴۰.

<sup>۸۷</sup> - تفسیر مجمع البیان ج ۳، ص ۸۱.

<sup>۸۸</sup> - جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۹.

<sup>۸۹</sup> - الکافی، ج ۳، ص ۵۰، ح ۳ و ۴؛ و نیز ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵.

نباشد، مگر اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود، جایز بلکه واجب است با همان حال جنابت به تطهیر مسجد اقدام کند.<sup>۹۰</sup>

ب) اگر کسی جنب باشد اما آبی که می‌خواهد با آن غسل کند در مسجد باشد و آب دیگری هم در دسترس نباشد و به‌دست آوردن آب جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد، باید تیمم کند و برای برداشتن آب یا غسل، داخل مسجد شود. این تیمم تا پس از خروج از مسجد باقی است.<sup>۹۱</sup>

ب: اعتکاف زن در مسجد

اعتکاف به معنای گردهمایی مؤمنان در مسجد است. آن‌ها چند روز از عیش و معیشت روزانه جدا می‌شوند و برای تقرب به خدا می‌کوشند. امام خمینی (قدس سره) در تعریف اعتکاف می‌گویند: «وَهُوَ اللَّكْبُتُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ التَّعْبُدِ بِهِ وَلَا يُعْتَبَرُ فِيهِ ضَمُّ قَصْدِ عِبَادَةِ أُخْرَى خَارِجَةً عَنْهُ وَإِنْ كَانَ هُوَ الْأَحْوَطُ»<sup>۹۲</sup>، اعتکاف، ماندن در مسجد به نیت عبادت است و قصد عبادت دیگر، در آن معتبر نیست. اگرچه احتیاط مستحب نیت عبادتی دیگر در کنار اصل ماندن می‌باشد.

اعتکاف عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز<sup>۹۳</sup> نیز می‌شود و آن‌ها هم می‌توانند از این چشمه‌ی جوشان فیض الهی و از این فرصت استثنایی بهره ببرند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که وقتی حضرت مریم (سلام الله علیها) با فرشته‌ی الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت (بیت المقدس) به سر می‌برد<sup>۹۴</sup> علامه‌ی طباطبایی در «المیزان» این دوری حضرت را به اعتکاف و عبادت تفسیر می‌کند.<sup>۹۵</sup>

روایات اسلامی نیز مؤید بر حضور زنان معتکف در مسجد است:

<sup>۹۰</sup> - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸، مسئله ۱۴.

<sup>۹۱</sup> - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹، مسئله ۲.

<sup>۹۲</sup> - همان، ص ۳۰۴، خاتمه فی اعتکاف.

<sup>۹۳</sup> - ممیز؛ کسی که قدرت تمییز دارد؛ یعنی قدرت تشخیص خیر و شر، و نفع و ضرر. چنین کسی را در صورتی که به سن کبر (بزرگ‌سالی) نرسیده باشد، ممیز می‌نامند. (محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۸۸، ش ۵۵۱۲).

<sup>۹۴</sup> - «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا.» مریم/۱۶ و ۱۷.

<sup>۹۵</sup> - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۵.

در سنن ابی داود آمده است: زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاه همراه با آن حضرت در مسجد معتکف می شدند.<sup>۹۶</sup>

در سنن بیهقی آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز بعضی از زنان آن حضرت به اعتکاف در مسجد اهتمام داشتند.<sup>۹۷</sup>

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «اعتکاف در مسجد الحرام یا مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) یا مسجد جامع هر شهری منعقد می شود و سزاوار نیست که معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد، [که باید] پس از پایان کارش بدون اینکه در جایی بنشیند، به مسجد برگردد. در ادامه حدیث می فرماید: «و اعتکاف زن مانند مرد است.»<sup>۹۸</sup>

همچنین، در روایتی از آن حضرت (علیه السلام) آمده است: «اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه ی حیض] از نماز بازماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند.»<sup>۹۹</sup>

با توجه به مطالب یاد شده اگر کسی بگوید که برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می دانند،<sup>۱۰۰</sup> پس اعتکاف او نیز باید در خانه باشد، می گوئیم: اولاً، ارتباط اعتکاف و مسجد رابطه ای تفکیک ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف محدودیت هایی وجود دارد و نظریه ی معروف آن است که این عمل مستحبی باید در یکی از مساجد چهارگانه<sup>۱۰۱</sup> انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه جایز دانسته اند؛ پس اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد. ثانیاً، این برداشت که اعتکاف زن در خانه باشد،

<sup>۹۶</sup> - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۳۴، کتاب الصوم، باب الاعتکاف، شماره ۲۴۷۸.

<sup>۹۷</sup> - سنن بیهقی، ج ۴، ص ۳۱۵.

<sup>۹۸</sup> - الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۲ و ص ۱۷۷، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۸، باب ۷ از کتاب اعتکاف، ح ۲.

<sup>۹۹</sup> - التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

<sup>۱۰۰</sup> - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۹.

<sup>۱۰۱</sup> - اعتکاف را می توان در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره انجام داد. در مسجد جامع هر شهر نیز می توان اعتکاف کرد (البته با قصد رجاء).

مبتنی بر قیاس است که در فقه بویای شیعه جایگاهی ندارد؛ از این رو، هیچ‌یک از فقهای شیعه اعتکاف زن را در خانه جایز نمی‌دانند.<sup>۱۰۲</sup>

مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: در عبادت اعتکاف، زنان و مردان مساوی هستند و در این مسئله میان علمای امامیه اختلافی نیست؛ بلکه ممکن است بر این مسئله تحصیل اجماع کرد. همان‌گونه که صاحب حدائق<sup>۱۰۳</sup> در این مسئله ادعای اجماع کرده است؛ زیرا اصل، اشتراک زن و مرد است.<sup>۱۰۴</sup> بر این اساس جنسیت جنسیت در این امر دخالتی ندارد. البته، شرکت زنان شوهردار در اعتکاف باید با رضایت و اذن شوهر باشد.

#### ج: اذن شوهر در خروج از منزل

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال و در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها، خروج زن از منزل برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و معاشرت وی، بدون آنکه مقارن با مفسده‌ای باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به ویژه تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. که در اینجا به اختصار به تشریح آن می‌پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده اند. به جهت اختصار، به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

۱- علی بن جعفر عن اخیه قال: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلَهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا؛ قَالَ لَا»<sup>۱۰۵</sup> از

برادر، موسی بن جعفر (علیه السلام)، پرسیدم: آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: خیر.

<sup>۱۰۲</sup>- جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

<sup>۱۰۳</sup>- الحدائق الناظرة، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

<sup>۱۰۴</sup>- جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

<sup>۱۰۱</sup>- وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

۲- عن جعفر عن ابيه... «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ»<sup>۱۰۶</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر زنی که بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، حق نفقه ندارد تا برگردد.<sup>۱۰۷</sup>

۳- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «زنی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا!

حق شوهر چیست؟ پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: بیش از آن است که تصور شود. گفت: برخی از آن را

بیان فرما. حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود: زن نمی تواند بدون اذن شوهر روزهی مستحبی بگیرد و نمی تواند بدون

اذن از خانه خارج شود...»<sup>۱۰۸</sup>

۴- در روایتی معتبر از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: زنی نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرض

کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و

نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود،

فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد.<sup>۱۰۹</sup>

#### نظر فقیهان شیعه

در فقه پویای امامیه، نظریه‌ی مشهور فقهای عظام بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، باید

رضایت شوهر را جلب کند و شوهر حق دارد که از بیرون رفتن زن منع کند. شیخ طوسی<sup>۱۱۰</sup>، شهید ثانی<sup>۱۱۱</sup>،

مرحوم محمد باقر سبزواری<sup>۱۱۲</sup> و مرحوم صاحب جواهر<sup>۱۱۳</sup> چنین عقیده ای داشته‌اند. همچنین، امام

خمينی (قدس سره) در «تحریر الوسيله» فرموده است: «هریک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان

قیام کند؛ گرچه حق شوهر عظیم تر است. از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی

۱۰۲- همان، ص ۵۲۴، باب ۲۴، ح ۴.

۱۰۳- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰، باب ۶، ح ۱.

۱۰۴- همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۱۰۵- همان، ج ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۱.

۱۰۶- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۳۳۱.

۱۰۷- شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۳۰۸.

۱۰۸- محمد باقر سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۱۸۶.

۱۰۹- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

نماید و از خانه‌اش بدون اجازه او خارج نشود. اگرچه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند.»<sup>۱۱۴</sup> بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته‌اند:

«از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».<sup>۱۱۵</sup>

به هر حال، مبانی این باور می‌تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد،<sup>۱۱۶</sup> و از سوی دیگر، می‌توان اساس نظریه‌ی ذکر شده را بر این ادعا قرار داد که حق کامجوی شوهر مطلق است و هیچ قیدوشرطی آن را محدود نمی‌سازد. از این رو، زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه‌ی بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجاز بگیرد.<sup>۱۱۷</sup> برخی هم برای اثبات این نظریه به آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب استناد کرده‌اند<sup>۱۱۸</sup> که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

نکته‌ی شایان توجه درباره‌ی روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه‌اش سر باز زده و با بی‌اعتنائی به حق مسلم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده هیچ‌گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه به‌گونه‌ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد. در غیر این صورت، چنین حکمی با دیگر احکام اسلامی ناسازگار می‌شود. برای مثال، کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری چون حضور در مسجد برای انجام عبادت و اعتکاف و یادگیری احکام اسلامی و صله‌ی رحم از خانه خارج می‌شوند، چه توجیهی دارد و این چنین نظری با انبوه آموزه‌های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده هیچ‌گاه در مقام ممنوعیت بی‌قیدوشرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه‌ی حق شوهر در کامجویی از همسر است و باید در کنار دیگر حقوق و وظایف دیده شود.

---

۱۱۰- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

۱۱۲- سید علی حائری (شاهباغ)، شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴؛ سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی خانواده - نکاح و انحلال آن، ص ۳۱۶.

۱۱۳- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۱۱۴- همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۱۱۵- علی مشکینی، الزواج فی اسلام، ص ۲۲۶.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است. این معیار که در مورد رفت‌وآمدها و معاشرت‌های زن بسیار تعیین‌کننده می‌باشد، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است. براساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت‌ها و رفت‌وآمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش در آورد. متفکر شهید استاد مطهری با درک همین واقعیت گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد و نه بیشتر.»<sup>۱۱۹</sup>

بنابراین، شوهر، به‌عنوان رئیس خانواده، می‌تواند با تشخیص مصلحت و صلاح‌دید، رفت‌وآمد همسرش، حتی رفتن او به مسجد، را محدود کند؛ مثلاً درموقعی که خوف تعرض یا اختلاط‌های ناشایست و معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌رود یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می‌بیند. البته، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به‌عنوان مثال هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش (شرکت در انتخابات، اقامه‌ی دعوی در دادگاه و...)، یا انجام فرائض دینی (انجام حج، ادای خمس و...)، یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می‌شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی‌تواند مانع شود. با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد جهت عبادت و اعتکاف و... اجازه خواست و شوهر مفسده‌ای در این حضور وی نمی‌بیند، شایسته است که منع نکند. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این باره فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید.»<sup>۱۲۰</sup>

۱۱۹- شهید مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۶۱ش، ص ۸۸.

۱۲۰- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید ابن ابی الحدید، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق
۶. وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی، دارالاحیاء التراث العربی (۲۰ جلدی).
۷. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات اسلامیة وابسته به جامعه مدرسین، ج ۳، قم، ۱۴۱۳ ق.
۸. التّهذیب، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.
۹. عروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. مجمع البیان، امین الدین طبرسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
۱۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمد حسین طباطبایی، موسسه نشر اسلامی، قم.
۱۲. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، لبنان، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، دارالفکر، بیروت.
۱۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. رساله توضیح المسائل، مکارم شیرازی، ناصر.
۱۶. صحیح مسلم، مسلم ابن حجاج نیشاپوری، دارالفکر، بیروت.
۱۷. جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، تحقیق عباس قوچانی، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۸. الحدائق الناظره، یوسف بحرانی، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۹. مختلف الشیعه، علامه حلی، مرکز ابّحاث اسلامی، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۲۰. ازدواج و شیوة همسر داری از دیدگاه اسلام، محمد محمدی اشتهاردی، تهران، انتشارات کتاب یوسف، ۱۳۷۸.
۲۱. مسالک الافهام، شهید ثانی، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

٢٢. توضيح المسائل مراجع، بنى هاشمى خمينى، محمد حسن، انتشارات اسلامى، قم، ١٣٧٧ هـ.ش.
٢٣. منهاج الصالحين، سيدعلى سيستانى، دفتر آيت ا... سيستانى، قم، ١٤١٧.
٢٤. المبسوط فى فقه الاماميه، شيخ طوسى، المكتبة المرتضى، تهران، ١٣٨٧.
٢٥. مستندالشيعة، محمد مهدى نراقى، آل البيت، قم، ١٤١٥.
٢٦. مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الازهان، محقق اردبيلى، جامعه مدرسين قم، بى تا.
٢٧. مستمسك عروة الوثقى، سيدمحسن حكيم، ج ٥، موسسه اسماعيليان، قم، ١٤١١.
٢٨. منهاج الصالحين، سيد ابوالقاسم خويى، ج ٢٨، مدينة العلم، قم، ١٤١٠.
٢٩. احكام مسجد، محمد حسين فلاح زاده، چاپ اسوه.
٣٠. صحيح مسلم، چاپ دارالاحياء التراث العربى، بيروت.
٣١. بيت الاحزان فى ذكر احوالات سيده نساء العالمين فاطمة الزهراء، شيخ عباس قمى، قم، انتشارات سيدالشهدا، ١٤٠٤ ق.
٣٢. سيماى مسجد، رحيم نوبهار، ج ٢، نشر مؤلف.
٣٣. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، چاپ دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ هـ.ش.
٣٤. مكارم الاخلاق، حسن بن فضل الطبرسى، چاپ موسسه انتشارات فراهانى.
٣٥. كشف الغمة، ابن أبى الفتح الإربلى، الطبعة الثانية، بيروت، دارالاضواء.
٣٦. اسدالغاية، ابن اثير، انتشارات اسماعيليان، تهران.
٣٧. تحريرالوسيلة، امام خمينى (ره)، قم، اسماعيليان.
٣٨. سنن ابى داود، ابوداود سليمان بن اشعث السجستانى، داراحياء النبويه، بيروت.
٣٩. كنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال، علاءالدين فاضل هندی، موسسة الرساله، بيروت، ١٤٠٩.
٤٠. سنن بيهقى، احمد بيهقى، دارالمعرفه، بيروت.
٤١. الامالى، شيخ طوسى، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ ق.
٤٢. منتهى المطلب، علامه حلى، چاپ تبريز، حاج احمد، ١٣٣٣.
٤٣. المغنى، عبدالله بن قدامه، دارالكتاب العربى، بيروت.

٤٤. مدارك الاحكام فى شرح شرايع الاسلام، سيد محمد عاملى، مؤسسة آل البيت، قم، ١٤١٠.
٤٥. شرايع الاسلام، علامه حلى، مؤسسة المعارف الاسلاميه، قم.
٤٦. مصباح الفقيه، آقاى رضا همدانى، مكتبة الصدر، چ سنگى.
٤٧. سفينة البحار، شيخ عباس قمى، چ ٣، دارالاسوه، ١٣٨٠.
٤٨. روض الجنان فى شرح ارشاد الازهان، شهيدثانى، موسسه آل البيت، ١٤٠٤ق.
٤٩. عون المعبود شرح سنن ابى داود، محمد شمس الحق العظيم آبادى، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٥٠. اعلام الساجد بأحكام المساجد محمد بن عبدالله زركشى، مصر، قاهره، ١٣٨٤ق.
٥١. دلائل الامامه، محمد بن جرير طبرى، مؤسسة البعثه، قم، ١٤١٣ق.
٥٢. مسئله حجاب، شهيد مرتضى مطهرى، صدر، چ ٣٧، ١٣٧٢ ش.
٥٣. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضى الزبيدى، المكتبة الحياة، بيروت.

منبع: مركز رسيدگى به امور مساجد